

**سه شنبه 18 آذر 1399 - 22 ربیع الثانی 1442 - 8 دسامبر 2020**

معرفی عراق به عنوان متجاوز از سوی سازمان ملل متحد (1370 ش)



معرفی عراق به عنوان متجاوز از سوی سازمان ملل متحد (1370 ش)، یازده سال پس از آغاز جنگ هشت ساله تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران و سه سال پس از صدور قطعنامه 598 شورای امنیت و اتمام جنگ و با تلاش‌های پی‌ریزی‌های سیاسی مسئولان نظام جمهوری اسلامی، حقانیت ایران در دفاع مشروع به اثبات جامعه جهانی رسید. خاویر پرز دکوئیار، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در 18 آذر 1370 طی یک گزارش رسمی به شورای امنیت اعلام کرد که عراق در 31 شهریور 1359 به ایران حمله کرده و متجاوز است. اعلام اینکه در جنگ تحمیلی، عراق آغازگر و مسئول جنگ بوده است، یک پیروزی بزرگ سیاسی است. این دفاع و نبرد، در حالی ادامه و پایان یافت که جهانیان، بانی جنگ را می‌شناختند و حتی به کمک او شتافته بودند. آنان زمانی به خود آمدند که سلاح‌های ارسالی به عراق، علیه خودشان به کار گرفته شد و عراق، منطقه خلیج فارس را درگیر جنگی مهیب و عظیم کرد. متجاوز بودن عراق، گرچه بسیار دیر اعلام شد، اما از پیروزی‌های مهمی است که در تاریخ کشورمان به عنوان واقعه‌ای بزرگ ثبت شده است.

رحلت آیت‌الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی، عمه‌الیقین، حوزه علمیه قم (1372 ش)، در منطقه گوگد گلپایگان به دنیا آمد. وی پس از طی دروس مقدمات در زادگاه خود، راهی اراک گردید و در 21 سالگی وارد درس خارج فقه و اصول آیت‌الله حائری یزدی شد. ایشان پس از هجرت به قم، در حلقه اصحاب خاص استاد قرار گرفت و پس از تاسیس حوزه علمیه قم و رحلت آیت‌الله حائری یزدی تدریس خارج فقه و اصول خود را آغاز کرد. حاصل تدریس هفتاد ساله ایشان پرورش ده‌ها شاگرد مجتهد و عالم می‌باشد که هر کدام استوانه مهمی در حوزه علمیه محسوب می‌شوند. حضرات آیات: مرتضی حائری یزدی، شهید مرتضی مطهری، شهید محمدعلی قاضی طباطبائی، شهید سیداسدالله مدنی، شهید دکتر محمد مفتاح، شهید دکتر سیدمحمدحسینی بهشتی، علی مشکینی، ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، لطف‌الله گلپایگانی، حسن حسن‌زاده آملی، احمد جنتی، علی‌پناه اشتهرادی، رضا استادی و علی احمدی میانجی و ده‌ها عالم فاضل از جمله شاگردان آن مرجع بزرگ دینی می‌باشند. آیت‌الله گلپایگانی دارای نگاشته‌ها و تقریرات فراوانی می‌باشد و در دوران سی و دو ساله مرجعیت، یکی از ارکان فقاقت بوده و به ضرورت، در تمام ابواب فقه، فتوا داده است. کتاب الحج، کتاب القضاء و حاشیه بر عروة الوثقی و... از جمله تالیفات آن فقیه بزرگوار به شمار می‌روند. ایشان همچنین در جریان انقلاب اسلامی و پس از آن، همواره حمایت خود را از قیام و رهبری آن اعلام می‌کرد. آیت‌الله گلپایگانی سرانجام پس از عمری خدمت و تدریس و تألیف، در هجدهم آذرماه 1372 ش برابر با 24 جمادی‌الثانی 1414 ق در سن 95 سالگی دار فانی را وداع گفت و پس از تشییع با شکوه، در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.

شبهه جنگ پنج ساله فرانسه علیه مکزیک (1861 م) مکزیکی اگرچه در اوایل قرن نوزدهم به استقلال رسید، اما تا چندین سال، بامشکلات داخلی مواجه بود. یکی از حوادث دوران بعد از استقلال این کشور مسئله جنگ پنج ساله فرانسه با مکزیک می‌باشد. در سال 1857 خوارز به ریاست جمهوری مکزیک رسید و با تصویب قانون اساسی جدید، به یک سری اقدامات اصلاحی در سطح جامعه دست زد. از جمله وی دستور داد که دادگاه‌های مذهبی که زیر نظر کلیسا اداره می‌شدند، تعطیل گردند. وی هم‌چنین اموال فراوان کلیسا را محدود نمود و به مقابله با نفوذ کشیش‌ها پرداخت. این امر عکس‌العمل صاحبان کلیسا را برانگیخت و موجبات مخالفت کلیسا را فراهم آورد. دول استعماری در این زمان دول مسیحی اروپا از قبیل فرانسه، انگلستان و اسپانیا به ظاهر برای کمک به آزادی‌خواهان و در اصل برای حاکم شدن بر شوون مکزیک، در هشتم دسامبر 1861 م به این کشور لشکرکشی نموده و خوارز را به عقب راندند. چندی پس از آغاز جنگ، انگلستان و اسپانیا متوجه شدند که فرانسه قصد تصرف و مالکیت مکزیک را داشته، بنابراین از ادامه همکاری با فرانسه منصرف گردیدند. با این حال نیروهای ناپلئون سوم امپراتور فرانسه موفق به اشغال مکزیکوسیتی پایتخت مکزیک شدند و یک اتریشی را در آن جا به حکومت نشانند. این وضعیت تا سال 1866 م ادامه داشت و سرانجام بر اثر فشار دولت آمریکا به فرانسه، ناپلئون سوم این کشور را تخلیه و خوارز پس از سازمان‌دهی مجدد به پایتخت حمله برد و بار دیگر به ریاست جمهوری مکزیک رسید.

مک "هد پت استنپ" متفکر و فیلسوف معارف انگلیسی (1903 م) هربرت اسپنسر، فیلسوف بزرگ انگلیسی، در 27 آوریل 1820 م در انگلستان به دنیا آمد. وی از کودکی تحت تعلیمات پدر قرار گرفت و از علوم مختلف، همانند علوم طبیعی، فیزیک، شیمی و تشریح معلوماتی پراکنده آموخت. اسپنسر تحصیلات منظمی نداشت و معلومات فراوان خود را از راه تجربه و تتبعات شخصی به دست آورد. وی از آغاز عمر به بحث درباره مسائل سیاسی و دینی و فلسفی علاقه داشت و از مطالعات علوم طبیعی یک رشته تحول و تکامل برایش پیش آمد که تصمیم گرفت تصنیفاتش را به عنوان فلسفه تالیفی مبنی بر همان نظر تصنیف کند. فلسفه علمی اسپنسر که

درگذشت "وایتنس، برینگ" دایانه، دانمارک، که م کاشف تنگه برینگ (1741م) وایتس برینگ، دریانورد معروف دانمارکی در 5 اگوست 1681م در شهر هوسن دانمارک به دنیا آمد. وی در سال 1704م وارد نیروی دریایی روسیه شد و در جنگ علیه سوئدی‌ها؛ شهرتی به دست آورد. برینگ در پایان خدمتش در نیروی دریایی، به مسافرت‌ها؛ اکتشافی برای روسیه دست زد و در جستجوی حدود شرقی سواحل شمال آسیا برآمد. از این رو در پنجم فوریه 1725م از سن‌پترزبورگ بیرون آمد و پس از گذشتن از سیبری، دریانوردی خود را آغاز کرد. وی در سال 1728م در سواحل شمال شرقی آسیا ادامه مسیر داد و در 30 اوت 1740م تنگه‌ای را که بعدها به نام خودش معروف شد، کشف کرد. وی با کشف تنگه برینگ که شمال شرق آسیا و شمال غرب آمریکا را از هم جدا می‌کند، ثابت کرد که قاره آسیا از آمریکا جدا است. برینگ هم‌چنین جزایر سنت لارنس در غرب آلاسکا در دریای برینگ، سن لوران در جنوب شرقی کانادا و دیومید در دریای برینگ را کشف کرد. وی طی سال‌ها؛ بعد نیز موفق به کشفیاتی گردید که نام و آوازه‌اش را بلند گردانید. در یکی از این سفرها، توفان‌ها؛ شدید و مرض و بیماری، او را مجبور کرد که از اکتشافات جدید چشم‌پوشد و بازگردد. در راه بازگشت، کشتی وی به ساحل جزیره‌ای ویران و بی‌آب و علف نزدیک منطقه کامچاٹکا در شرقی‌ترین نقطه روسیه، رسید و در آن‌جا بود که در 8 دسامبر 1741 در همان جزیره‌ای که به نام او نامیده می‌شود در 60 سالگی درگذشت.

هدفش تبیین پدیده‌های زندگی، بنای این فلسفه در تبیین سراسر کائنات به مثابه حرکتی پیش‌رو از یک مرحله کامل‌تر، بر قوانین تکامل نهاده شده بود. اسپنسر یک فیلسوف مادی بود و بیش از تخیلات به واقعیات توجه داشت. وی بیش از مطالعه، به مشاهده می‌پرداخت و همیشه به وجه بی‌روح و سرد زندگی می‌نگریست. در حقیقت اصرار داشت که این تنها وجهی است که وجود دارد. حقیقت چنان که وی پرده از چهره آن بر می‌دارد، سرد، ملامت‌انگیز و مرده است. آدمی حسنی بدون روح است و جهان ماشینی، و بدون روح. هر عملی که در جهان یا در ذهن آدمی انجام می‌گیرد بر طبق اصول مکانیکی قابل توجیه است. اسپنسر آنچه را که ورای تجربه است کنار گذاشت و خویشتن را وقف آنچه به تجربه درمی‌آید، نمود. وقتی که وی از فهم آغاز خلقت هستی و خالق آن باز می‌ماند، محدودیت ذهن و فکر بشر را مطرح می‌کند و "لادری" یعنی چیزی نمی‌داند؛ را مطرح می‌نماید. با این حال اسپنسر بر این عقیده بود که تمام هستی، حرکتی متوازن دارد گرچه در پایان کار، عدم بر همه چیز مستولی خواهد شد. پس از آن، اسپنسر به علم اخلاق پرداخت و اعلام کرد که هدف نهایی سلوک آدمی، باید حفظ و تکثیر حیات باشد. اسپنسر می‌اندیشید این که ما برای نیل به این آرمان می‌کوشیم. ناشی از یک حس اخلاقی ذاتی است. نژاد بشر در کشمکش طولانی خود برای هستی، سجایا و عکس‌العمل‌ها؛ غریزی کسب کرده است که وی را به ادامه حیات قادر می‌سازد. این عکس‌العمل‌ها؛ به تدریج رفتارهای خوب به شمار آمده‌اند. عمل خوب آن است که به ادامه زندگی کمک می‌کند و عمل بد، آن است که راه به مرگ می‌برد. در دوران‌های ابتدایی تاریخ بشر، آدمیان کشتن یک‌دیگر را برای زنده ماندن ضروری یافته بودند. اما کم‌کم به ذهن آدمی رسید که برای بقا راه آسان‌تری وجود دارد و آن همکاری و معاونت است و به این ترتیب، به تدریج مفهوم عدالت به میان آمد. همه افراد آزاد هستند که از منابع معدنی زمینی استفاده کنند ولی آزاد نیستند که از یک‌دیگر بهره‌کشی کنند. مردم باید با هم همکاری داشته باشند نه آنکه با یک‌دیگر رقابت بورزند. اسپنسر می‌گفت از هر کس به اندازه استعدادش کار بخواهید و به اندازه استحقاقش بدهید. در خانواده انسان، هر کودکی دارای این حق است که مورد حمایت و عنایت قرار گیرد و هر بزرگسالی مکلف است که از روی میل و علاقه به همکاری با دیگران برخیزد. ناتوان را کمک کنید و دیگران را آزاد بگذارید که بدون تخطی به آزادی دیگران، خویشتن را مددکار باشند. اسپنسر قانون اخلاقی جدیدی عرضه می‌دارد که بر اساس آن می‌گوید، با کودکان و ناتوانان به ترحم، و با بزرگسالان و نیرومندان به عدالت رفتار کنیم. این قانون نه تنها باید در گروه‌های انفرادی، بلکه در تمام خانواده بشریت اجرا گردد. اسپنسر در طول حیات علمی خود کتب مهمی به نگارش در آورد که اصول روان‌شناسی، مبادی اولیه اصول شناخت زندگی، اصول علوم اجتماعی در 3 جلد و اصول زیست‌شناسی در 2 جلد از آن جمله‌اند. هریرت ارسپنسر سرانجام در هشتم دسامبر 1903م در 83 سالگی درگذشت.